

خانواده‌های تک‌نفره الگوی زندگی جدید در ایران

سامان احمدپور

است. بسیاری از جوانان زیر ۲۰ سال یعنی کسانی که در دهه ۱۳۶۰ متولد شده‌اند از لحاظ ارزش‌ها و هنجارها تفاوت‌های فاحشی با نسل پدر و مادرهای خود دارند به طوری که گویا هیچ کدام صدای همدیگر را نمی‌شنوند. جورج تامسون معتقد است: «در جوامع امروزی گسست بین نسل‌ها یک امر قطعی و غیرقابل تردید است. منتها برای آن که این گسست به یک شکاف عمیق مبدل نشود باید به راه‌های برقراری ارتباط میان جوانان و سالخورده‌گان اندیشید.»

البته ناگفته نماند که در این حیطه گسترش ماهواره‌ها، وسایل ارتباط جمعی و به خصوص اینترنت نقش اساسی داشته است.

جوانان معترض به نسل قدیم می‌گویند: دوران قدیم هر چه که بوده، گذشته است و ما امروز در عصر اینترنت، موبایل، MP۴، روزنامه‌های دیجیتالی زندگی می‌کنیم و ذهن ما به دنبال چیزهای نو در دنیای نرم افزاری است. ما از هر چیزی که برچسب قدیمی داشته باشد، خسته و دل‌تنگیم و به دنبال راهی برای راهی از این اتاق تنگ هستیم. در مقابل نسل قدیم می‌گویند: جوانان، اسیر اینترنت و کامپیوتر و موبایل شده‌اند و به نقش تجربه و ارزش‌هایی که ما برای حفظ آن تلاش کردیم بی‌اعتنا هستند.

تغییر الگوهای زندگی

یکی دیگر از مسائلی که زندگی نسل جوان را دچار تغییر کرده است، تغییر سبک و مدل زندگی آنها نسبت به نسل کهنسالان می‌باشد. امروز ما با یک تحول بزرگ در شکل زندگی جوانان روبه‌رو هستیم. آنها دیگر علاقه‌ای به طی کردن مسیر سختی که پدر و مادرشان گذرانده‌اند، ندارند. بر همین مبنا یکی از دلایل انتخاب و پذیرش خانه‌های مجردی، دوری وجدایی از سبک زندگی سنتی والدین و دستیابی به زندگی مورد علاقه خودشان است. به تعبیر جامعه‌شناسان آنها به دنبال اجتماعاتی هستند که در آن هم‌نوابی و همراهی با آنها بیشتر باشد. این طبیعی است نسلی که دچار تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌اش است، می‌خواهد که در مکانی با دوستان و همسالان خود همراه و همساز گردد. و طبیعی است که وقتی جوانی بتواند یک چهار دیواری مستقل برای خود تأمین نماید که در این محدوده با ارزش‌ها و الگوهای متناسب با علایق خود زندگی نماید و دیگر کسی نباشد به او سرکوفت به خاطر رفتارها و کم‌کاری‌هایش بزند، این پدیده گسترش می‌یابد. هر چند که گسترش خانه‌های مجردی به نوعی ارمغان فرهنگ غرب برای ما می‌باشد، اما نکته‌ای ظریف در این مساله نهفته است و آن اینکه در غرب به دلیل رشد فرهنگ فردگرایی و گسترش نهادهای اجتماعی حمایت‌کننده از جوانان، رشد خانه‌های تک‌نفره امری طبیعی و بنا به شرایط فرهنگی- هویتی آن جامعه پذیرفته شده‌تر

در خوابگاه و یا خانه‌های مستقل مجردی بگذرانند که این روند باعث تقویت قوه استقلال خواهی آنان بعد از فارغ‌التحصیلی می‌شود. اما مساله شکل‌گیری خانواده‌های تک‌نفره فقط مختص دانشجویان شهرستانی یا افراد متمول نمی‌شود این روزها بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند از خانواده جدا شده و با تهیه خانه مجردی امکان رفت و آمد راحت‌تر با دوستان و تفریح خود را فراهم نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از میهمانی‌ها و پارتی‌های محفلی در خانه‌های مجردی به وقوع می‌پیوندد و این حاکی از تشدید روحیه آزادی‌طلبی، رفاه‌جویی و لذت‌خواهی در برخی از جوانان می‌باشد. البته هیچ کس منکر تفریحات سالم برای نسل جوان نیست و چه بسا که بسیاری از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها عامل اساسی رشد خانواده‌های تک‌نفره در ایران است.

گسست نسل‌ها و تقویت زندگی مجردی

شاید پذیرش این گفتار که نسل جدید روزبه‌روز فاصله‌اش با نسل قبل بیشتر می‌شود دشوار باشد. اما بررسی‌ها و آمارها نشان می‌دهد که گسترش اطلاعات و به ویژه فوران نرم‌افزاری آن، فاصله نسل‌ها را بسیار عمیق‌تر و زیادتر کرده، به طوری که این گسست به تدریج به شکافی عمیق و غیرقابل ترمیم مبدل شده

جامعه ایران باشتاب و سرعت عجیب و غریبی در حال تغییر و دگرگونی است. شاید برای ما که سوار این کشتی هستیم، عمق و شدت تحولات چندان قابل لمس نباشد. ممکن است بگویید اگر عمیق‌تر به تحولات نگاه کنیم اتفاقاً برعکس، کاملاً قابل مشاهده و لمس است. یکی از این تحولات که تا دو دهه قبل صحبت از آن نبود، بحث تغییر ساختار سنتی خانواده در ایران است. در گذشته نه چندان دور که بخش اعظمی از هرم جمعیتی جامعه ایران را روستاییان تشکیل می‌دادند شکل غالب، خانواده گسترده بود. خانواده‌ای شامل پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، پدران و مادران و فرزندان با همسران و بچه‌ها همه و همه در زیر یک سقف و یا در حداقل در یک مکان مشترک زندگی می‌کردند. تا اینکه تحولات چند دهه اخیر و گسترش شهرها و تغییر بافت جمعیتی ایران، ساخت خانواده‌های هسته‌ای شامل زن و شوهر و فرزندان را به شکل غالب در ایران مبدل ساخت. اما در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد که از دل خانواده‌های هسته‌ای مدل‌های متعدد و متنوعی از الگوهای خانواده شکل گرفته که نگاه و بررسی هر کدام از آنها در جای خود موضوعی مهم و قابل بررسی می‌باشد. یکی از این مدل‌های جدید، خانواده‌های تک‌نفره می‌باشد. خانواده تک‌نفره به خانواده‌ای می‌گویند که از یک زن یا مرد تشکیل شده که در خانه‌ای مستقل به تنهایی و مجرد زندگی می‌کند. اگر در گذشته عده‌ای از طبقات فرادست شامل ثروتمندان مرفه و متاهل به دنبال خانه‌ای مجردی برای رفع نیازهای بی‌حد و حصر جنسی خود بودند، امروز جوانان مجرد از طبقات مختلف اعم از فرودست و فرادست انگیزه‌های فراوان برای جدا زندگی کردن از خانواده خود را دارند. البته این

تنهایی، به معنای پذیرش تنها بودن مطلق و دور خود دیوار کشیدن نیست، بلکه اتفاقاً به نوعی نه گفتن به خانواده‌های خود و ورود به عرصه زندگی مستقل تلقی می‌شود. ورود به حوزه‌ای که آزادی عمل و تحرک بیشتر را برای جوان مجرد به همراه خواهد داشت. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از جوانان بعد از ورود به دانشگاه ممکن است مدتی را به دلیل دوری از خانواده





و موجه‌تر به نظر می‌رسد. اما در ایران تا دو دهه قبل کمتر جوانی دوری از خانواده خود را طلب می‌کرد در حالی که در سال‌های اخیر به دلیل گسترش آمار طلاق و تعارضات نسلی خانه‌های مستقل فردی افزایش پیدا کرده است. شاید یکی از مهمترین دلایل پذیرش زندگی مجردی؛ تغییر مدل و الگوی زندگی جوانان باشد. جوانان زیر ۲۵ سال ما که بخش اعظمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند

تاکید می‌کنیم که همه خانه‌های مجردی خانه‌های فساد نیستند و چه بسا افراد در این خانه‌ها به بحث و گسترش خلاقیت‌ها و تعالی روحی و شخصیتی خود مشغول باشند.

می‌خواهند خودشان مسیر زندگیشان را انتخاب کنند و کارهایی را انجام دهند که خود صلاح می‌دانند. در گذشته بچه‌ها برای خرید لباس و احتیاجات خود با پدر و مادر خود راحت‌تر بودند و با آنها به خرید می‌رفتند اما امروز جوان دلش می‌خواهد لباسش را باوسواس و سلیقه خود خرید نماید و رنگ، مدل و طرحی را می‌پسندد که ممکن است مورد علاقه پدر و مادرش نباشد. او می‌خواهد رنگ دیوارهای اتاقش را زرد و صورتی و قرمز بزند و مادرش عاشق طوسی و قهوه‌ای است. تمام شواهد و مدارک نشان می‌دهد که نسل امروز خواهان کنترل بر شیوه و وضعیت زندگی خویش نیست.

جامعه‌شناسان بر این باورند که پدیده گسست نسل‌ها در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای در حال رشد سریع‌تر و با شتاب بیشتری طی می‌شود. متأسفانه گفته می‌شود امکان برقراری دیالوگ میان جوانان با نسل‌های قبلی کم‌رنگ شده و حالا آنها می‌خواهند مستقل و خودکفا زندگی کنند. از سوی دیگر نسل جوان به دنیای اطراف به شکل غیرفلسفی نگاه می‌کند. آنها هرگز به دنبال صغری و کبری چیدن و انتخاب‌های صددرصد منطقی (حداقل منطبق بر قبول والدین) نیستند. نسل جوان به واسطه تجربه خود، علاقمند انتخاب‌هایی است که او را با هم سن و سال‌هایشان در یک حیطه و دسته قرار دهد. بسیاری از دخترها و پسرها از طریق اینترنت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند و حول ارزش‌های مشترک مورد قبولشان تعامل می‌کنند. پاتریک جفرسون متخصص مسایل جوانان می‌گوید: «جوانان عصر رسانه اطاعت‌گریز هستند و دلشان نمی‌خواهد دنباله‌رو نسل پدر و مادرهایشان باشند. آنها راه‌های نو و متفاوت را می‌پسندند و می‌خواهند در همان مسیرها تجربه‌هایی متفاوت داشته باشند». حال با این اوصاف اگر امروز در شهرهای بزرگ و به ویژه در کلانشهر تهران با پدیده رو به رشد خانه‌های مجردی روبه‌رو هستیم شاید نباید دچار تعجب و شگفتی شویم. ضمن اینکه عدم دموکراتیک شدن روابط والدین با فرزندان عامل اساسی علاقه به تشکیل زندگی مستقل در نسل جدید است. نمودهای این

غیردموکراتیک شدن رفتارها در تلاش هر دو سوی تعامل برای رسیدن به اقتدار و پیروزی است. در حالی که یکی از قواعد گفت‌وگوی سالم این است که دو طرف ضمن شنیدن نظرات و ایده‌های طرف مقابل، با خونسردی و نقد سالم فضا و بستر گفتگویی را تخریب نکنند و به یکدیگر احترام بگذارند. متأسفانه در جامعه ما فضای گفت‌وگوی سالم کمتر وجود داشته و عموماً گفت‌وگو به بحث و نزاع مبدل می‌شود. بسیاری از جوانانی که خانه‌های مجردی را برای خود برگزیده‌اند علت اساسی این انتخاب را در تضادهای رفتاری و عدم تحمل پدر یا مادر در شنیدن حرف آنان می‌دانند. آنها می‌گویند پدر یا مادر ما به دنبال یک سرباز می‌گردند که بی‌چون و چرا حرف آنها را شنیده و اطاعت نماید در حالی که ما می‌خواهیم حرف‌هایمان شنیده شده و به عقایدمان احترام گذاشته شود. ما پدر و مادرمان را دوست داریم اما اعتقاد به زندگی به سبک و سیاق خودمان داریم. بر همین مینا جامعه‌شناسان معتقدند که اطلاعات نسل قبل نسبت به جوانان بسیار کم است و آنها درک عمیقی از نیازها، خواسته‌ها و علایق آنها ندارند. نسل جوان برخلاف گذشتگان بسیار واقع‌بین و به دنبال برنامه‌ریزی بر روی زمین برای خود هستند هر چند که نباید از این نکته غافل شویم که مشکلات و آسیب‌های آنها نیز بیشتر از نسل قدیم است. اگر در گذشته شاخص اعتیاد به مواد مخدر به تریاک و یا اعتیاد به الکل بود امروز جوانان باعرضه بیش از حد قرص‌های روانگردان، ایدز و غیره مواجه هستند که همه اینها آسیب‌پذیری آنها را بیشتر از گذشته کرده است.

هویت تکه تکه شده

دکتر پیترسون معتقد است: تفاوت‌های فکری و فرهنگی انسان‌های عصر اطلاعات بسیار بیشتر از گذشته شده است. به طوری که هر فردی دارای هویت‌های گوناگون و بعضاً متعارض است که در وی رفتارهای متناقض را بازتولید می‌کند. لذا اگر جوان امروز بخواهد یک زندگی معمولی و عادی داشته باشد با تعارض و تضادهای هویتی مواجه است. ضمن اینکه نسل جدید سرعت بیشتری به تغییرات بخشیده و با پذیرش عناصر فرهنگی از دنیای جهانی شده، راه متفاوتی را برای

خود برگزیده است. اما در حال حاضر این تفاوت‌های هویتی معنای متفاوتی با گذشته نیز پیدا کرده و آن اینکه به عنوان مثال حتی ارزش‌های پذیرفته شده ۲۲ ساله با ۲۳ ساله‌ها بسیار متفاوت است به گونه‌ای که امروز دیگر الگوهای رفتاری را نمی‌توان در یک دهه ثابت دانست و آن را مورد مطالعه قرار داد. امروز به تعبیر دکتر عبدالهیان جامعه‌شناس معنای نسل خانوادگی که در گذشته مطرح بود مطرح نیست و از نسل‌های سنی سخن گفته می‌شود. لذا اگر مثلاً ۲۵ ساله‌ها به دلیل تعارض با پدر و مادر خانه‌های مستقل برمی‌گزینند، ۲۴ ساله‌ها که به دلیل دستیابی به قدرت این انتخاب را می‌کنند و برای این مسئله باید در تحلیل‌ها تفاوت قایل شد. اما علاوه بر همه موارد یاد شده بحث تأخیر در ازدواج و مشکلات مربوط به آن عامل اساسی در جدایی بچه‌ها از پدر و مادرها است وقتی هنوز راه‌حل‌های پذیرفته‌شده برای برطرف کردن مسایل جنسی وجود ندارد این امکان هست که افراد برای رفع نیازها و خواسته‌های جنسی‌شان خانه مجردی را برگزینند. منتهی این بدیهی است که وقتی راه‌های رفع نیاز به طور طبیعی کم‌رنگ می‌شود و یا وجود ندارد فرد به دنبال راه‌هایی می‌افتد که در ذهن خود آن را بهترین راه می‌داند لذا پیدا کردن راه‌های مشروع رفع نیاز جنسی و تضمین مسیری که از ازدواج را در جامعه آسان‌تر می‌نماید می‌تواند به این امر کمک نماید. البته تجربه به ما نشان داده آسان‌گیری ازدواج بدون تربیت مناسب افراد برای زندگی زناشویی، تامین نیازهای یک زندگی مشترک آبرومند، تضمین شغل مناسب برای زوجها و غیره نمی‌تواند به این روند کمک نماید و برعکس به افزایش طلاق در جامعه منجر خواهد شد. لذا بررسی راه‌حل‌های به‌هنگار و مناسب برای رفع نیازهای جنسی می‌تواند برخی از خانه‌های مجردی را که به مراکز فساد بدل شده است، کم‌رنگ نماید.

به هر صورت در مجموع باید بپذیریم که جامعه ما جامعه‌ای در حال تغییر است و الگوها و هنجارهای فرهنگی آن در حال دگرگونی است. در حال حاضر دختران و پسران به دنبال الگوهای نوین فرهنگی هستند. در گذشته تحصیلات عالی به یک خواسته خاص و موردی بود که امروز به یک خواسته و درخواست عمومی مبدل شده است. لذا گسترش این مسایل نشان می‌دهد که موقعیت نسل فعلی موقعیتی متفاوت و حتی متضاد با گذشتگان است. ما باید ضمن ارج نهادن به ارزش‌های هر دو نسل، جوانان را در انتخاب‌هایشان آزاد بگذاریم. اما از یاد نبریم که جوانان در پذیرش هر مساله به سخنان ما توجه ندارند بلکه به روش و سبک زندگی ما نگاه می‌کنند. پس بیایید سبک زندگی‌مان را با تحولات دنیای روز همسو و هم‌نوا سازیم.